irannewspaper.ir

• سه‌شنبه ۶ تیر ۱۴۰۲ • سال بیست‌ونهم • شماره ۸۲۱۸
• اذان ظهر ۱۲/۰۷ • اذان مغرب ۱۹/۴۵ • نیمه شب شرعی ۲۳/۱۴ • اذان صبح فردا ۳/۰۵ • طلوع آفتاب فردا ۴/۵۱

ایران

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
• **مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
• **سردبیر:** حسام الدین برومند
• **معاون فنی:** محمدملاعلی‌اکبری
• **دبیران:** مصطفی عیوضی(سیاسی)
• مهدی مهرپور(اقتصادی)
• مصطفی وثوق‌کیا(فرهنگی)

• آزاده سهرابی(اجتماعی) • بنفشه غلامی(جهان)
• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
• مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
• حجت حکیمی(صفحه‌آرایی)
• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی(عکس)

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
• **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲۱)
• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

اشتیاقی که به دیدار تو دارد دل من
دل من داند و من دانم و دل داند و من

مولانا

سخن‌روز

امام باقر علیه‌السلام فرمود:
سه چیز از برترین اعمال است: سیر کردن گرسنگی مسلمان، زدودن غم مسلمان، پوشاندن زشتی و عیب او.

مصادقة الأخوان، ص ۴۴

نگاره

طلای آبی

احمدرضا سهرابی/ طراح و کارتونیست

فضای مجازی

اجرای پرفورمنس تهمورس پورناظری و خاطره سینا جهان آبادی از کنسرت شهرام ناظری و استوری رامتین شهبازی از یک جشنواره ، از اخبار شبانه روز گذشته اهالی فرهنگ و هنر است.

یک کلیپ ماندگار

سینا جهان‌آبادی نوازنده و مدرس کمانچه، ویدیویی منتشر کرده از اجرای کنسرت شهرام ناظری و در این باره نوشته: «یک شب آتش در نیستانی فتاد...به بهانه سالگرد کنسرت خاطره‌انگیز استاد شهرام ناظری در سرای عامری‌ها، شما را دعوت می‌کنیم به تماشای این کلیپ به‌یاد ماندنی.آواز: استاد شهرام ناظری. تار: صابر نظرگاهی. کمانچه: سینا جهان آبادی.عود: امین حیدری.سنتور: جمشید صفرزاده.تنبک: فرهاد صفری. دف: شهریار نظری

یک خاطره به یاد ماندنی

فرناز ربیعی با انتشار عکسی از طواف کعبه نوشته: «سیزده سالم بود که سوره نبا را حفظ شدم... یک روزکه کامل و بی‌غلط خواندم تنگ گوشم گفت «مامان می‌دونستی هرکی یک سال پشت هم عم‌یتسائلون بخونه میره مکه؟» چشم‌هام گشاد شد و درآمدم که «یعنی می‌شه؟» مامان‌جون گفت: «بخون ببین میشه یا نه» همان جا به تمسک سیره ابراهیمی قصد کردم امتحان کنم و یقینم شود...
قرعه‌کشی مکه برگزار شد و اسمم توی رزروی‌ها در آمد.

بام، همیشه بالا نیست

علی قمصری با انتشارویدیویی از تارنوازی‌اش بربامی ازآسمان تهران نوشته: «بام، همیشه بالا نیست.» بام را نیز می‌توانی از بالاتر، «زیر» ببینی. بام و زیر در موسیقی ایران واژگون هم می‌شوند...گذر عمر قدرت دید از ارتفاع و یادگیری از راه تماشاگر بودن به جای تجربه کردن را بیشتر می‌کند. زندگی برای من مانند قصری است که باید به جای باز کردن در تمام اتاق‌ها، نقشه‌اش را یاد گرفت. تنها ترس من در کودکی، «ارتفاع» بوده. اما بهترین تفریحم نیز از کودکی تماشا از ارتفاع بوده است. در سکوت، بالای پل عابر، تماشای فوتبال از بالا.من حضور در پشت بام و تماشای پایین را از دراز کشیدن و شمردن ستارگان بیشتر دوست دارم. ستاره‌ها را هر چندبار بشماری زیاد و کم نمی‌شوند. اما پایین را نگاه کنی یاد می‌گیری... از ارتفاع می‌توان افتاد و می‌توان ارتفاع را با بالاتر رفتن به زیر تبدیل کرد. پس بم می‌تواند زیر شود اگر زاویه دید تغییر کند.
سعید فرجپوری نوازنده وآهنگساز در صفحه اینستاگرامش از اثر جدیدش به نام «میخانه خاموش» خبر داده و در این باره نوشته: «کاری از گروه دستان که در سال‌های گذشته منتشر شد و به دلایلی در زمان پخش کمتر شنیده شد. این کار با شعری از مهدی اخوان ثالث است که توسط هنرمندان: حمید متبسم (تار)، حسین بهروزی‌نیا(بربط)، پژمان حدادی (تنبک)، بهنام سامانی(دایره و دف)، سالار عقیلی (خواننده) و سعید فرجپوری آهنگساز و نوازنده کمانچه در دستگاه ماهور اجرا و منتشر شده است.

درد دل یک مستندساز با شهردار

سهیل کریمی مستندساز در صفحه شخصی خودش درباره حمل و نقل شهری نوشت: آقای شهرداری! هر از چندی شهر را با سامانه تندرو «بی آر تی» بالا پایین کنید تا بدونید خلایق، کیپ تا کیپ هم تو این کوره‌های سیار با کولرهای خراب و خاموش چه‌جوری می‌پزند. شما هم که باشید ما پیاده‌ها بیشتر ترغیب می‌شیم به استفاده از وسایل نقلیه عمومی.

تجربه تماشای فیلم‌های دانشجویی

رامتین شهبازی، استاد دانشگاه با انتشار عکسی از هیأت انتخاب بخش ملی جشنواره فیلم‌های کوتاه دانشجویی نهال در اینستاگرامش نوشت: «تجربه تماشای فیلم‌های دانشجویی همیشه جذاب بوده است و معمولاً با تمام مشغله‌ای که دارم رد نمی‌کنم. فیلم‌های این دوره از جشنواره محترم نهال را دیدیم و ماحصل حدود ۷ ساعت گفت‌وگو شد. نتیجه‌ای که اعلام شده و در استوری هم منتشر می‌کنم. از دبیر و همه بچه‌های دبیرخانه تشکر می‌کنم و برایشان جشنواره خوبی را آرزو می‌کنم. امید که مخاطبان نیز فیلم‌ها را دوست داشته باشند.»

پرفورمنس تهمورس پورناظری در سعدآباد

تهمورس پورناظری که سال گذشته با همراهی سهراب پورناظری کنسرت نمایش «سی‌صد» را روی صحنه برده بود، طی چند روز آینده کنسرت پرفورمنس «باز آمدم» را اجرا می‌کند. این کنسرت یازدهم تیرماه روی صحنه می‌رود. تهمورس پورناظری در صفحه اینستاگرامش نوشته: «با شور و اشتیاق فراوان از ۱۱ تیرماه میزبان شما در (کنسرت پرفورمنس بازآمدم) با حضور سحر محمدی، بردیا کیارس و دیگران یاران گروه هستیم.

نقل قول

سروش محمدزاده
کارگردان

کومله در کردستان محبوبیتی ندارد

من پیش از اینکه کارگردانی این سریال را قبول کنم، پژوهش و تحقیقاتی داشتم تا بدانم حزب کومله چگونه شکل گرفته و وقتی گذشته آنها را دنبال کردم و با مردم کردستان و دوستان و آشنایان نزدیکم صحبت کردم، متوجه شدم که این گروه در خودِ کردستان هم محبوبیتی بین مردم ندارند. به هر حال قطعاً افرادی ممکن است به این حزب علاقه‌مند باشند اما در طیف گسترده مردم گروه‌های تجزیه‌طلبی چون کومله پایگاه اجتماعی و محبوبیتی ندارند، به همین دلیل من از این بابت هیچ نگرانی نداشتم چون ابداً این گروه محبوبیت عام ندارد. جالب است که اگر اخبار اخیر حزب کومله را دنبال کنید، متوجه می‌شوید که آنها در خودشان هم دچار درگیری شده‌اند.

بخشی از گفته‌های سروش محمدزاده کارگردان «سوران» در گفت‌وگو با ایلنا

یادداشت

محسن نفر
آهنگساز، مدرس‌موسیقی ونوازنده

هنر، آینه هنرمند (۳)

پس هنر، آینه هنرمند است. نه اینکه درآن خود را ببیند! بلکه درآن، او را می‌بینند! در اثر، هنرمند دیده می‌شود. در آن او را می‌بینند! اما او در آن خود را می‌یابد. اثر هنری، لحظه‌ای و جایگاهی است که هنرمند خود را درآن می‌یابد! پس کجا خود را می بیند؟! در آن رسولی که هنر را برایش ارمغان آورده. او، آینه هنرمند است. خود را در او می‌بیند. نه اینکه هرچه هست، در او باشد، بلکه او، نهایتش است. خودش حدی از آن نهایت است. فرشته یا شیطان، آینه هنرمند است. آینه‌ای که هنرمند خود را در آن می‌بیند، اما نه اینکه آن فرشته یا شیطان، به تمامی در اثرش تجلی کند. بلکه لحظه‌ای و گوشه‌ای از او، در اثر هنرمند عیان می شود. همان پیغامی که برایش آورده اند. اثرهنری، پیغامی است که رسولِ هنر، برای هنرمند آورده است! هنرمند، همان را عرضه و ارائه می‌کند. هرچه گفته‌اند، می‌گوید. هنرناب، همین است. هنری که هنرمند، معبرش است. پیغامی که به وسیله هنرمند، علنی می‌شود. این پیغام به او ابلاغ و توسط او به بقیه، اعلام واعلان می‌شود. گاهی هنرمند، خود مبدأ هنر است. این دو وجه دارد: ۱- از درونش می‌جوشد. یعنی فرآورده تجربه، تخصص، مهارت و توانایی اوست.۲- او، خود مسیری است که هنر از او و درونش می‌گذرد و عبورمی کند؛ این جوشش نیست، پویش است. هنر، از درون او می‌پوید. او را درمی نوردد. مقامی بسیار بالاتر از آنکه از درونش بجوشد. هر دو البته، معنا و تراز هنرِ ناب هستند. اما یکی از درون هنرمند و حدیث نفس و دیگری از طریق هنرمند و حدیث یار! حدیث نفس، صورت کمالی اش، نفس ممتاز و مهذب و مُجلاست. دراین صورت است که حدیث گرانبها و حکیمانه‌ای از آن ظهور می‌کند. درواقع، نفس مهذب، گاهِ ظهوراست. حکمت از آن ظهورمی کند. خود، منبع ظهورات کمالی است. مانند نفس اوصیاء و اولیاء. نفس ایشان، مظهر ظهورات خیر و بِّر است. چگونه چنین می‌شود؟! اینگونه که در اثر تهذیب و تکمیل، نفسشان به سرچشمه خیر و بِّر، متصل می‌شود و بی‌واسطه، مستقیماً مَجلای آن می‌شود و دراین اتصال، جز خیر و کمال از آن نمی‌جوشد!
او (هنرمند)، بی‌واسطهِ رسول، مستقیماً از منبع دریافت می‌کند و به دیگران ابلاغ! او، درآن صورت دیگر آینه نمی‌بیند، بل، صاحب آینه را زیارت می‌کند! هرچه صاحب می‌گوید، در نفسش متجلی و ابلاغ می‌شود و او آن را اعلام می‌کند. اما تنها کسانی اعلام او را درمی‌یابند که اهل کمال و خیر باشند. این اعلام، برای آنها اعلان است. اعلام هنرمند، اعلان برای اهل و خواص است! و برای بقیه، فقط اعلام است. «**تو خود حدیث مفصل بخوان ازاین مُجمل!**» این هنر، جوششی است و نه پویشی !
اگرهنرمند، تهذیب نفس نکند، جوشش هنرش، ضلالت است. منبع جوشش درونش، به جای خیر، شرارت است. شر از درون او در قالب هنر، می‌جوشد! نفسش، متصل به منبع شرارت است و هنر که تبلور زیبایی و مطبوعیت است، شرارت و ضلالت را زیبا و مطبوع می‌نماید. چرا زشتی، مجذوب می‌شود؟! از آن روی که در قالب هنر عرضه می‌شود. هنر، بیان زیبا و آراسته است. محتوایش، خیر و شر است.
هر محتوایی در این قالب، خوش می‌نماید! شر، ذاتاً زشت و نفرت زاست. اما در لباس هنر، جذاب و خواستنی است، زیرا هنر، یعنی بیان زیبا. هنر، ذاتاً یعنی زیبایی و مطبوعیت. اما اگر محتوایش زیبا نباشد، تنها به ظاهرِ زیبا می‌انجامد. ظاهر، چشم ربا است. اصلاً عرصه چشم، ظاهر است وهر ظاهر زیبا، چشم‌رباست. چشم‌ربایی، دلربا می‌شود! کسی که با ربایش چشم، دل می‌رباید.
هنر، با چشم ربایی، دلربایی می‌کند و اینکه در پس مخاطبت با اثرهنری، گرایشِ به کفر و دین معلوم می‌شود، به محتوایی است که در باطن اثر هنری نهفته است. جایی که عهده دار پیام و مفهوم اثر هنری است. اگر محتوا، خیر و کمالی باشد، مخاطب هنر به خیر و کمال تمایل می‌کند و اگر نه، به شر و سقوط! چرا هنر، محل نزاع است؟! برای محتوایش! والا ظاهرش که زیباست و زیبایی محل پذیرش و جذابیت است. زیبایی وجذابیت، محل نزاع نیست! اگر نزاعی درهنرهست، برای باطن ومحتوایش است! باطن، چه زیبا و چه زشت، درهنر، به ظاهری زیبا و فاخر می‌رسد! مهم این است که هنر، باطنش زیبا باشد. باطن زیبا، به غیراز این نیست که در پس مخاطبت با آن، گرایش به خیر و کمال و نیکی ایجاد شود وهنر، ابلاغ کمال کند و آن را اعلام! اعلان درهنر، علنی کردن ارجحیت خیر و ترغیبِ به کمال و پاکی است و این باید از درون هنرمند، بواسطه اتصالش به منبع خیر بجوشد، بتراود و پراکنده شود!

پیشنهاد

رضا مهدوی
منتقد هنری، نوازنده و مدرس سنتور

برای ناصح آوازِ امروز ایران

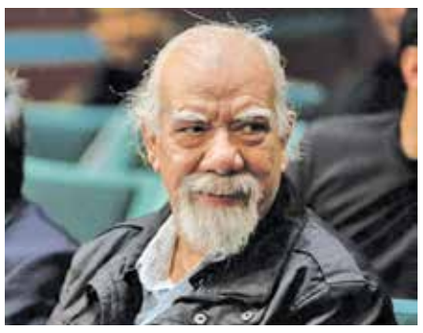

مردی از تبارموسیقی و آواز رفت. صدایی از جنس حقیقی فرهنگ آوازی به دیار باقی شتافت. زنده یاد استاد نصرالله ناصح‌پور یکی دیگر از انگشت شماران عرصه خوانندگی، تصنیف، کار عمل و ردیف آوازی سرزمین ایران پس از سالها رنج بیماری دیگر نتوانست در کلاس درس آواز حاضر شود تا خیل مشتاقان فراگیر ادب نفس و ادب شرح و ادب التزام به پایبندی فرهنگ سترگ شنیداری در پهنه آوا و نوا را التیام بخش باشد. خداوند استادانی چون کریم صالح عظیمی و رامبد صدیف و محمد صفارمنتشری و دیگر عزیزان ملتزم به رعایت حق و حقوق پاسداشت و نگهداشت فرهنگ آوازخوانی این کهن هنر یگانه در جهان را که ویژه ایرانیان است و بس، در صحت و سلامت نگاه دارد تا نسل تازه، بیش از پیش در شناخت آیین و مدنیت در هنر پاکیزه‌ای چون آوازخوانی، بیش از این فقیر نماند. استاد داوود گنجه‌ای فرمودند: ناصح‌پور هنرمند بزرگی بود که هیچ تقاضایی نداشت و هنرش را در معرض نمایش نگذاشت... نسل جوانِ جویای نام و نان، بداند که هرآنچه معلمان متقدّم از زوایای گوناگون ازاستادان خود فراگرفته‌اند همان گونه دقیق عمل کردند و به هنر ملی ارج نهادند و البته با احترام به مردم روزگار خود هرآنچه را از آنها خواسته شد اجابت نکردند..! آواز را برای آواز پاس داشتند. امری که مباح است و نباید به واسطه کم بضاعتی رسانه‌های شنیداری و دلگرمی عده‌ای از گوش‌های ناآشنا با چنین فرهنگ شنیداری‌ای آن را حذف و هَدم کرد و صرفاً به تصنیف و ترانه‌خوانی پرداخت، تا جایی که برخی خوانندگان مطرح امروزی به راحتی می‌گویند: آواز دیگر جایگاهی درنزد مردم ندارد و ناچاریم روزآمد و پاپ خوان شویم...؟!
آری نصرالله ناصح‌پور پرچم فرهنگ مدَرَسی استادش عبدالله خان دوامی را تا آخرین روز بالا نگه داشت. روح هردو بزرگوار شاد. نامشان بر ضمیر روشن تاریخ در روزگاران به نیکی یاد خواهد شد.
ناصح پور آذری تبار بود و مقتدرانه و حماسی‌وار آواز و تحریر و چهچهه سر می‌داد و اشعار را دقیق و متنّن از حنجره خارج می‌ساخت. زبان معیار را درست ادا می‌کرد و ذره‌ای لهجه و گویش و دیگر زبان را چاشنی نمی‌کرد در اشعار بزرگان ادب پارسی. برخی آواز را رنج موره وار با آه و درد آمیخته و ادا می‌کنند و گوش‌ها را فراری می‌دهند...
اجراهای اندک او را به هر طریق اهل دل وآشنا به فن موسیقا شنیده‌اند اما یادگاری بی‌نظیر از آوازخوانی‌اش با سنتور استاد مجید کیانی در تئاترشهر دهه ۷۰ مجالی می‌خواهد برای پردازش و تفسیر و بررسی معنوی و فلسفی و دانشی تا بتوان از فرازهای گوناگون به ابعاد گسترده فرهنگ سترگ ردیف آوازی از سلایق و روایت‌های متنوع شناخت عمیق‌تری یافت.
ایرج کاشانی و گلپایگانی هر دو آموخته مکتب اصفهان بودند اما با خلاقیت و هوش ذاتی خود در تکمیل مکتب تهران خلاقانه پس از اسماعیل خان مهرتاش مردم را به هرشکل دور آوازجمع کردند و آوازخوانی را از کما رفتن زنده‌سازی کردند. استاد حسین علیزاده هم به زیبایی گفتند: امثال ناصح‌پور پرچم موسیقی ایرانی را نگه داشت. چه خوب است نسل نو در زنده نگاه داشت فرهنگ آوازخوانی با تمام ظرایف و دقایق و ریزه کاری‌هایش همچون شخصیت بی‌بدیل نصرالله ناصح‌پور در حفظ و اشاعه آواز و موسیقی ناب اهتمام ورزد.

گفتار

دکتر مجید امامی
دبیر شورای فرهنگ امامی

رویدادسازی و سیاست های هویتی

حافظه به مثابه فرهنگ «خاطره‌های تمدنی» ایرانیان اگر زنده و در جریان نباشند، در نتیجه تفاله‌های صنعت فرهنگ استعماری جایگزین آن شده و رواج خواهد یافت. رولان بارت معتقد بود جهان جدید باید اسطوره‌های خودش را درست می‌کرد. اگر بخواهیم در حال حاضر مثالی عینی طرح کنیم، فوتبال به مثابه ورزش محبوب جهانی و بدیهی شده است و ظاهراً نمی‌توان نبود آن را تصور کرد، لذا بایستی به آن جهت داده شود.
مسأله دوم رویدادسازی است که پدیده و سیاستی محسوب می‌شود. منظور از طرح «رویدادسازی» ایجاد بستری است که آیینی را احیا، بازسازی و بعضاً خلق می‌کند؛ مقوله‌ای که از آن تحت عنوان احیای مجدد سنت نیز یاد می‌شود. اصلی‌ترین هدف خلق و ثبت «رویداد» از منظر وظایف و مأموریت‌های شورای فرهنگ عمومی، ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی است. رویدادسازی و مسأله هویت ارتباطی مستقیم با هم دارند. هویت‌های محلی از ظرفیت بالایی برای شکوفایی برخوردار هستند. هویت محلی واجد ظرفیت‌های موسیقایی، بصری، روایی، اسطوره‌ای، زبانی، فراغتی، مصرفی، اقتصادی و... بوده و در یک کلمه می‌تواند سبک زندگی را در معنایی بومی بازسازی و بازآفرینی کند و این مهم‌ترین بستر تولد چیزی است که از آن به «مناسبت یا رویداد» تعبیر می‌کنیم. مقوله مشارکت حداکثری یکی از ویژگی‌های «رویداد» است و اصولاً آنچه یک رویداد را با فرهنگ عمومی مرتبط می‌سازد، خصلت مشارکت است. اصولاً سه دسته انگیزه‌های مادی، معنوی می‌توانند زمینه مشارکت مردمی را مهیا سازند. البته که جوشش و آفرینش‌ها و ظرفیت‌های مردمی در مناسبت‌ها و رویدادسازی‌ها یک اصل است. در روستاها و شهرهای کوچک آفرینشگران و خلاقان مهمی هستند که متأسفانه مرکزنشینان، چشم و طبعاً دست و پای آنها را بسته و جامعه را به مصرف‌کننده‌ای منفعل(مخاطب) تقلیل داده‌اند.
رویداد و ساخت آنتا قبل از سال ۱۹۸۷م که اصطلاح گردشگری رویداد مطرح شود، به موارد خاصی از رویدادها مثل رویدادهای برجسته، ابر رویدادها و رویدادهای خاص پرداخته می‌شد. لکن یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه در عرصه رویدادسازی، مناسک تقویمی و مناسبت‌های فرهنگی است. در سال ۱۹۸۹م مقاله «رویدادهای خاص: تعریف محصول» توسط گتز منتشر شد که در آن چهارچوبی برای برنامه‌ریزی گردشگری رویداد مطرح شده بود. گردشگری رویداد شامل برنامه‌ریزی نظام‌مند، توسعه و بازاریابی آیین‌ها، جشنواره‌ها و رویدادهای ویژه است که می‌تواند جاذبه میدانی برای گردشگران غیربومی ایجاد کند ، تصویر مطلوبی از میزبان یا موضوع رویداد برجای بگذارد، فرایندهای ایجاد زیرساخت و رشد اقتصادی را شتاب ببخشد و الهامبخش ایجاد جذابیت در دیگر بخش‌ها باشد. گردشگری رویداد، نقش آن در حفظ سنت‌های فرهنگی هر جامعه است. رویدادها نقش مهمی در حفظ ساختارهای اساسی یک جامعه دارند و فرصتی برای حفظ و احیای آداب و رسومی که به دست فراموشی سپرده شده‌اند، فراهم می‌کنند که از آن به پاسداری از میراث فرهنگی ناملموس محلی یاد می‌شود. در یک تقسیم‌بندی می‌توان رویدادسازی را به رویداد شرکتی، ورزشی، مذهبی، موسیقی، دولتی و سیاسی، تجاری و خصوصی تقسیم کرد. جدا از آثار اقتصادی مترتب بر گردشگری رویداد، این نوع از گردشگری می‌تواند تغییرات اجتماعی و فرهنگی خوبی بر جای گذارد.
سیاست و مأموریت غنی‌سازی تقویم اصل مناسک‌سازی‌های رایج در عصر کنونی مبتنی بر فضای مجازی است. این خود تهدیدی بر گوناگونی فرهنگی است. در شرایط بی‌تاریخی، بی‌ریشگی و انسلاخ هویتی جوامع همگون شده چالش‌های فضای مجازی عملاً مناسک و رویدادهای فراغتی زندگی را می‌سازند، اما در شرایط اقتدار هویتی هر روز و حتی هر بخش روز، مشحون از معانی و وقایع است؛ وقایعی که زمان را زنده و مکان را معنادار می‌کند. جهان بی‌ریشه با اتفاق و صدقه و حادثه سرگرم می‌شود؛ اما جوامع متمدن و تاریخ‌مند واقعه‌گرا و واقعه سازند. سیاست فرهنگی قاطع جمهوری اسلامی، نقد کردن و به کار انداختن همه موجودیت، ظرفیت و سرمایه ارزشمند و عمیق سنت اسلامی -ایرانی است که به غنی‌سازی هویت ملی ایرانیان منجر می‌شود. در واقع حافظه فرهنگی و خاطرات تمدنی(تعبیر رهبری)، هویت ملی را از تهاجم مصون می‌دارند.
شورای فرهنگ عمومی، تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر و سیاستگذار این عرصه و رصدگر مهم تحولات حقیقی و مجازی تقویم و مناسبت‌هاست. همان‌طور که برای تقویم رسمی کشور می‌اندیشیم، باید به مناسبت‌های غیررسمی هم توجه داشت. گاهی واجب نیست هر رویداد، خاطره و واقعه‌ای را به تقویم محدود رسمی کشور پیوند بزنیم. در این عرصه نه باید از رویدادسازی ناامید شد و نه انتظار داشت هر شهرستان و رویداد کوچکی، ضمن پذیرش اهمیت و قداست آن در تقویم رسمی کشور جا پیدا کند. تعریف روز محصول‌ها و روز استان‌ها از جمله سیاست‌های شورای فرهنگ عمومی در راستای غنی‌سازی تقویم بود. تعیین این روزها با هدف احیای سنت‌ها و بازآفرینی بومی انجام شد که اتفاقاً در برنامه تحول دولت مردمی نیز مدنظر است. تعریف محصول و اختصاص روزی خاص برای هر استان و یک ناحیه و اقلیم باعث ایجاد همگرایی بیشتر، استحکام و بالندگی هویت محلی و افزایش انسجام و نشاط اجتماعی مؤثر خواهد شد. از سوی دیگر تصویب و ابلاغ تقویم حِرَف، مشاغل و اصناف به موازات تقویم رسمی کشور، فرصتی را برای نامگذاری روزهای مختلف برای اقشار مختلف فراهم می‌کند. این اقدام و ایده مبارک تحفه‌ای از نظام فرهنگی کشور در سال حمایت از تولید ملی است و امید است با همکاری رسانه‌ها مؤثر افتد.

> همان‌طور که برای تقویم رسمی کشور می‌اندیشیم، باید به مناسبت‌های غیررسمی هم توجه داشت. گاهی واجب نیست هر رویداد، خاطره و واقعه‌ای را به تقویم محدود رسمی کشور پیوند بزنیم